



پرمصرفترین داروها در سال ۱۴۰۲

معاون مرکز آمار و فناوری اطلاعات سازمان بیمه سلامت ایران گفت: «براساس اطلاعات سامانه نسخه الکترونیک، در سال ۱۴۰۲ مثل سال ۱۴۰۱ پرمصرفترین داروهای کشور ابتدا داروهای بیماران دیابتی و در رتبه بعدی داروهای بیماران قلبی و عروقی بوده‌اند.» امیرحسین حبیبیان به ایسنا گفت: «اطلاعات سامانه نسخه الکترونیک در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد، ۱۱۶ قلم داروی تجویز شده در فهرست گران‌ترین داروهای تجویزی در کشور است که این داروها بیشتر برای بیماران خاص و صعب‌العلاج مصرف شده است.» براساس اعلام او، برخی از این داروها، بیش از ۷۰ میلیون تومان قیمت دارد. حبیبیان با اشاره به اینکه پرمصرف‌ترین داروهای کشور مربوط به بیماران دیابتی است، افزود: «تعداد ۲۴۰ میلیون داروی متفورمین در سال ۱۴۰۲ تجویز شده که در مقایسه با سال قبل از آن، ۳۰ درصد افزایش داشته است و پس از آن داروهای آ.اس.ا و لوژرتان که جهت پرفشاری خون استفاده می‌شوند، قرار دارند.» به گفته او، در ۱۵ استان کشور پرمصرف‌ترین داروهای ابتدا داروهای بیماران دیابتی و در رتبه بعدی داروهای بیماران قلبی و عروقی است.



حمله به یک داروساز با چاقو

یک داروساز شیرازی به‌دلیل ارائه ندادن دارو بدون نسخه، توسط بیمار با چاقو مورد حمله قرار گرفت. به گزارش خبرنگاران، دوازدهم فروردین ماه، این داروساز شیرازی مورد حمله قرار گرفت و از ناحیه صورت دست آسیب دید. روابط عمومی سازمان غذا و دارو، در واکنش به شرب و شتم این داروساز شیرازی به‌وسیله چاقو از سوی فردی که خواستار دریافت داروی بدون نسخه بوده است، با ابراز تأسف از بروز چنین حوادثی، این اقدام را محکوم کرد و خواستار بررسی دقیق موضوع و برخورد جدی با فرد خاطی شد. در این میان رئیس سازمان غذا و دارو، معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی شیراز را ملزم به بررسی وضعیت داروساز آسیب‌دیده و نیز پیگیری عاجل موضوع تا حصول نتیجه‌بر خورد قاطعانه با فرد خاطی بازداشت‌شده، کرد.



ساخت ۴۰۰ مسجد در تهران

رئیس شورای شهر تهران در واکنش به ماجرای ساخت مسجد در بوستان قیصریه گفت: «تهران مسجد کم دارد و باید ۴۰۰ مسجد در پایتخت ساخته شود. ما براساس قانون عمل می‌کنیم و کار خلاف قانون را هیچ‌کسی نباید انجام دهد.» او گفت: «مطالعه و امکان‌سنجی برای احداث مساجد در شهرها و پارک‌ها انجام می‌گرفت و در سال ۱۳۸۲ نیز برای مساجد تهران و ساخت‌وساز مساجد بودجه تعیین شده بود و این از افتخارات ما در شورا است.» در ادامه علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای شهر هم در توضیح ماجرای ساخت مسجد گفت: «در بوستان قیصریه، شهرداری تنها زمین را در اختیار قرار می‌دهد. محلی که برای ساخت مسجد در نظر گرفته شده است، تقریباً بدون هیچ کاربری‌ای است و نقطه کور به‌شمار می‌رود. تعداد اندکی درخت جوان و حدود چهار درخت کهنسال وجود دارد که با حساسیت و دستور شهرداری هیچ درختی در این نقطه قطع نشده و در مورد تأمین هزینه‌های ساخت این مسجد نیز باید بگویم با اینکه برخی‌ها مدعی شده بودند شهرداری تهران تأمین‌کننده مالی این مسجد است، اما باید بگویم که تمام هزینه‌های ساخت از سوی خیرین تأمین شده و شهرداری تنها زمین را تأمین کرده است.»



روایت آموزگاران که در پی اعتراض‌های صنفی با مجازات جایگزین مواجه شده‌اند

پابند به جای زندان



شادی مکی خبرنگار گروه جامعه

طرح پابند الکترونیک از نیمه دوم سال ۱۳۸۸ به‌عنوان مجازات جایگزین حبس و در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و توسعه عدالت قضایی مطرح شد؛ تاجایی که در اجرای سیاست‌های کلی قضایی مصوب مقام رهبری در زمینه حبس‌زدایی، «دستورالعمل ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها» ۱۷ شهریور ۱۳۹۵ به تصویب ریاست وقت قوه قضائیه رسید. با این حال گمان می‌رفت که این پابندها قرار است بر پای سارقان و بزهکاران گذاشته شود تا ضمن عدم حضور در زندان و هزینه‌های آن برای دولت، این گروه تحت رصد الکترونیک باشند. حتی فروردین امسال نیز محمدعلی نوری‌نژاد، رئیس قرارگاه مبارزه با سرقت فراجا گفته است: «اجرای طرح هوشمند پابند الکترونیک موجب سلب تحرک مجرمان می‌شود.» با این حال زمانی که مسئله پابند الکترونیک مطرح شد، هرگز گمان نمی‌رفت روزی همین پابندها به دور پای معلمان گره بخورد؛ معلمانی که در مقابل خانه‌شان آموزش و پرورش یا در مقابل خانه ملت یا همان مجلس شورای اسلامی، تجمع اعتراضی مسالمت‌آمیز برگزار کردند و خواهان اجرای قوانین کشور در حوزه‌های صنفی و آموزشی بودند. اگر چه به گفته معلمانی که پابند الکترونیک را تجربه می‌کنند، استفاده از این ابزار از حضور در زندان بهتر است اما آنها تجربه‌های تلخ مشترکی نیز از پابند الکترونیک به خاطر دارند. آنها در حالی روزگار می‌گذرانند که پابندی الکترونیک دور پای‌شان حلقه شده و تنها در شغالی مشخص حق خروج از خانه را دارند؛ حدود هزار متر و گاهی هم کمتر. محدودیت رفت‌وآمد، زندگی و معیشت‌شان را تحت‌تأثیر قرار داده، لرنش‌های گاه‌وبی‌گاه دستگاه آزارشان می‌دهد و خواب را از آنها گرفته است. حمام رفتن‌شان مشقت دارد، برای اینکه دستگاه خراب نشود و ناچار به پرداخت خسارت خسارت شوند، باید آن‌ها را با سلفون بپیچند، آنها باید ساعت‌ها و روزها منتظر بمانند تا سه‌روز مرخصی ماهانه یا مرخصی مناسبتی مثل مرخصی نوروزی از راه برسد تا پابند خاموش شود تا آنها بتوانند برای چند روزی، مسافت‌های عادی را طی کنند. پابند تا پایان دوره مجازات همراه همیشگی‌شان است، فرقی هم نمی‌کند خاموش باشد یا روشن. استرس هرروزه بابت خروج اتفاقی از شعاع تعیین‌شده یا پایان یافتن ناگهانی شارژ دستگاه و گرفتار آخطار و توبیخ‌شدن هم بخش دیگری از مشکلات این گروه از معلمان است. آنها بابت این پابند ۲/۵ میلیون تومان پول داده‌اند که ودیعه دستگاه است و مبلغ اجاره ماهانه‌اش هم متفاوت است. افرادی که پیش از مردادماه ۱۴۰۲ گرفتار شده‌اند، ۱۵۰ هزار تومان و بعد از این تاریخ ۶۰۰ هزار تومان باید به‌صورت ماهانه بپردازند. این خلاصه‌ای از وضعیت معلمانی است که به‌دلیل اعتراض صنفی، درگیر پرونده‌های امنیتی شده و حالا هم با حلقه‌ای به‌دور پابندی می‌کنند

فروردین‌ماه سال گذشته بود که غلامعلی محمدی، رئیس سازمان زندان‌ها، آمار افراد با پوشش پابند را ۹ هزار نفر اعلام کرد. او همچنین گفته بود که تا پیش از اعلام عفو عمومی در اعتراضات ۱۴۰۱، ۱۳ هزار زندانی تحت پوشش پابند بوده‌اند. پس از آن در اوایل اسفندماه سال گذشته، دادستان عمومی و انقلاب گفت که حدود ۲ هزار نفر از محکومان دارای پابند الکترونیک هستند. به گفته او، مددجویان دارای پابند الکترونیک به‌صورت شبانه‌روزی، تحت رصد و نظارت بوده و چنانچه از محدوده کنترلی تعیینی به شعاع‌های ۲۰۰ متری، ۵۰۰ متری و ۱۰۰۰ متری خارج شده یا برای پابند مشکلی ایجاد شود، اقدامات تأمینی و قانونی لازم با هشدار ارسالی از سوی این پابندها شروع می‌شود. براساس ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت خودش، در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم‌های) الکترونیک قرار دهد.

تعدادی از معلمان در حالی روزگار می‌گذرانند که پابندی الکترونیک دور پای‌شان حلقه شده و تنها در شغالی مشخص حق خروج از خانه را دارند؛ حدود هزار متر و گاهی هم کمتر. محدودیت رفت‌وآمد، زندگی و معیشت‌شان را تحت‌تأثیر قرار داده، لرنش‌های گاه‌وبی‌گاه دستگاه آزارشان داده و خواب را از آنها گرفته. حمام رفتن‌شان مشقت دارد، برای اینکه دستگاه خراب نشود و ناچار به پرداخت خسارت خسارت شوند، باید آن‌ها را با سلفون بپیچند، آنها باید ساعت‌ها و روزها منتظر بمانند تا سه‌روز مرخصی ماهانه یا مرخصی مناسبتی مثل مرخصی نوروزی از راه برسد تا پابند خاموش شود و آنها بتوانند برای چند روزی، مسافت‌های عادی را طی کنند. پابند تا پایان دوره مجازات همراه همیشگی‌شان است، فرقی هم نمی‌کند خاموش باشد یا روشن. استرس هرروزه بابت خروج اتفاقی از شعاع تعیین‌شده یا پایان یافتن ناگهانی شارژ دستگاه و گرفتار آخطار و توبیخ‌شدن هم بخش دیگری از مشکلات این گروه از معلمان است. آنها بابت این پابند ۲/۵ میلیون تومان پول داده‌اند که ودیعه دستگاه است و مبلغ اجاره ماهانه‌اش هم متفاوت است. افرادی که پیش از مردادماه ۱۴۰۲ گرفتار شده‌اند، ۱۵۰ هزار تومان و بعد از این تاریخ ۶۰۰ هزار تومان باید به‌صورت ماهانه بپردازند. این خلاصه‌ای از وضعیت معلمانی است که به‌دلیل اعتراض صنفی، درگیر پرونده‌های امنیتی شده و حالا هم با حلقه‌ای به‌دور پابندی می‌کنند

حقوق‌را قطع و بیکار کردند

«گرچه پابند الکترونیک از زندان بهتر است اما برای فردی که در پی مطالبات صنفی بوده، همچنان آزاردهنده است.» این را مژگان باقری می‌گوید، معلم منتقدی که با پابند الکترونیک در نوعی حبس خانگی به‌سر می‌برد. او از سال ۱۳۹۵ کنشگری در حوزه آموزشی و صنفی را آغاز کرد، از طریق نوشتن مقاله و مشارکت فعال در تجمع‌های معلمان: «باتوجه به حساسیتی که نهادهای امنیتی نسبت به من داشتند از حضور در انجمن صنفی معلمان فارس خودداری کردم تا مبادا این حساسیت‌ها باعث ایجاد مشکل برای انجمن شود، بااین حال یکی از اتهاماتم عضویت در همین انجمن بود.» او در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ همراه تعداد دیگری از معلمان بازداشت و در تیرماه همان سال هم با وثیقه آزاد می‌شود: «علت بازداشت ما تجمعاتی بود که در سال ۱۴۰۰ معلمان استان فارس با هدف مطالبات صنفی و آموزشی برگزار کردند. در بازجویی‌ها به ما گفته شد که در سال ۱۴۰۱ دستوری از شورایی امنیت ملی به آنها داده شده، مبنی بر جلوگیری از برپایی این تجمعات.» این معلم منتقد تاکید می‌کند، در حالی در جلسات بازجویی حضور یافته که در زمان بازداشت نه تفهیم اتهام شده و نه اجازه دسترسی به وکیل داشته است. به گفته باقری، دادگاه او در خردادماه ۱۴۰۲ تشکیل شد: «بعد از ۳۰ سال معلمی، با اتهامات «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت کشور» و «عضویت در انجمن صنفی غیرقانونی استان فارس» مواجه شدم، گویا از نظر آنها انجمن صنفی ما غیرقانونی بود. ایرادی که آنها به تجمعات غیرسیاسی ما وارد می‌کردند این بود که خوراک خبری برای رسانه‌های بیگانه درست می‌کنیم. آنها می‌گفتند، نباید مطالبات‌مان را از طریق تجمع مطرح کنیم.» او در دادگاه بدوی به تحمل ۵ سال حبس محکوم شد، اما دادگاه تجدیدنظر حکم را به ۲ سال کاهش داد. ۲۹ آبان‌ماه ۱۴۰۲ به زندان رفت و بعد از گذشت ۳۵ روز -یعنی سوم دی‌ماه- با درخواست او، مبنی بر استفاده از پابند الکترونیک به‌عنوان مجازات جایگزین حبس، موافقت و از زندان آزاد شد. او در باره مشکلات استفاده از پابند می‌گوید: «مدرسه‌ای که در آن مشغول تدریس بودم ۱۷ کیلومتر از خانه من فاصله داشت، درحالی‌که تنها یک کیلومتر می‌توانستم از خانه فاصله بگیرم. مجبور شدم خانه‌ای در نزدیکی محل تدریسم اجاره کنم، در چنین شرایطی متوجه شدم که رئیس آموزش و پرورش ناحیه یک شیراز، اجازه بازگشت به کار را به من نداده، حقوق‌م را هم از ۲۹ آبان‌ماه، قطع کرده بودند، درحالی‌که من از ۶ دی‌ماه درخواست بازگشت به کار داده بودم. بسیاری از همکارانم و حتی رسانه‌ها نسبت به رفتار او اعتراض کردند. اوایل اسفندماه، رئیس آموزش و پرورش ناحیه یک تغییر کرد و رئیس جدید، حکم اشتغال به کار من را از همان ۶ دی‌ماه صادر کرد، قرار شد که ابلاغیه آن را هم بعد از عید به یکی از مدارس نزدیک محل سکونت‌م صادر کنند. حقوق اسفندماه را هم با معوقات ماه‌های قبل پرداخت کردند.» مژگان باقری این راهم می‌گوید که مسئولان زندان بیشتر از مسئولان آموزش و پرورش با او همکاری کرده‌اند: «جز مرخصی‌های مرسوم، در صورت ضرورت هم می‌توانیم مرخصی بگیریم.»

پابند در کلاس درس

«عبدالرزاق امیری»، از دیگر معلمانی است که این روزها با پابند الکترونیک زندگی می‌کند. او پس از ۲۸ سال خدمت معلمی در شیراز با اتهامات امنیتی مواجه شده: «علت بازداشت‌م، حضور در تجمعات فرهنگیان در مقابل سازمان آموزش و پرورش بود، هدف از این تجمعات هم صرفاً مطالبات صنفی بود. برقراری عدالت آموزشی، عمل به اصل ۳۰ قانون اساسی (تحصیل رایگان)، اجرای رتبه‌بندی، پرداخت مطالبات فرهنگیان، ایجاد فضای آموزشی مناسب... از جمله مهم‌ترین مطالبات ما بود.» امیری در نهایت به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» از طریق شرکت در فراخوان‌های معاندان نظام، به تحمل ۲ سال حبس با پابند الکترونیک در خانه، فعالیت نکردن در فضای مجازی و ممنوعیت خروج از کشور همراه با ابطال گذرنامه به‌مدت ۲ سال محکوم شد؛ اتهاماتی که او همچنان بر نادرست بودن آنها تاکید می‌کند. این معلم منتقد ادامه می‌دهد: «از میان



همکارانی که محکوم شدیم، ۲ نفر شاغل بودیم و مابقی بازنشسته. دادستان شیراز موافقت کرد برای ادامه تحصیل و رفتن سر کلاس درس، هفته‌ای دو روز مرخصی داشته باشیم.» او از مشکلات پابند الکترونیک هم می‌گوید: «اگر از شعاع هزارمتر فراتر برویم، سریعاً با ما تماس می‌گیرند و اخطار می‌دهند و اگر این مسئله سه‌بار تکرار شود، حکم‌مان را تبدیل به زندان می‌کنند. همچنین باید مراقب باشیم که دستگاه مرتباً شارژ باشد و خاموش نشود. به‌ر حال پابند با وجود برخی مزایا نسبت به حضور در زندان، محدودیت‌ها و مشکلات خاص خودش را دارد، موقع راه رفتن و نشستن اذیت می‌کند، سرکلاس دانش آموز پابند را می‌بیند و این سوال برایش ایجاد می‌شود که آیا معلم ما متکبر جرمی شده است؟ از طرف دیگر همواره ناچارم جوراب بپا داشته باشم که پایم زخمی نشود.» این معلم منتقد، مثلاً به روماتیسم مفاصل است و نیازمند به آب‌درمانی، اقدامی که بعد از گرفتار شدن به زندان و پابند الکترونیک، از آن محروم بوده و همین موضوع هم بیماری روماتیسم و دردهایش را افزایش داده است.

پابند الکترونیک چندان سخت نیست

«محمدعلی زحمت‌کش»، اهل شیراز است و معلمی بازنشسته که عضو انجمن صنفی معلمان فارس هم هست، او به هم‌میهن می‌گوید: «ما معلمان مطالبات اساسی بسیاری داریم. مثلاً برخی اصول قانون اساسی اجرا نمی‌شود و این موضوع باعث معضلات بسیاری در آموزش و پرورش شده است. ما خواهان اجرایی شدن اصل ۲۰ قانون اساسی و قانون مدیریت خدمات کشوری هستیم. از طرف دیگر صندوق‌های بازنشستگی ما به دلیل ناکارآمدی‌ها و کج‌رویی‌ها، در شرایط بسیار بدی به‌سر می‌برند. تجمعات ما برای برطرف شدن معضلات آموزش و پرورش بود و اصلاً جنبه سیاسی نداشت.» به گفته این معلم منتقد، از سال ۱۳۹۵ که فعالیت معلمان این استان از طریق تشکیلات صنفی انجام شد، آنها با نهادهای امنیتی جلساتی برگزار کردند که البته نتیجه‌بخش نبود. اولین بازداشت زحمت‌کش هم در آبان‌ماه ۱۳۹۷ رخ داد؛ زمانی که معلمان تحصنی ۳ روزه برای بیان مطالبات‌شان برگزار کردند، او ۱۲ روز بعد به‌قید وثیقه آزاد شد. ماجرای گرفتار شدن او به پابند الکترونیک هم به اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ بازمی‌گردد؛ زمانی که معلمان، تجمعات مطالبه‌گرانه‌ای را در استان فارس برگزار کردند: «برای من پرونده‌ای تشکیل و در دادگاه بدوی به ۵ سال حبس محکوم شدم، دادگاه تجدیدنظر هم ۵ سال را تایید کرد. بعد از آن، تقاضای اعاده دادرسی کردم که در این مرحله حکم حبس را به ۲ سال کاهش دادند.» او در مجموع ۶ ماه در حبس و بازداشت به‌سر برد و از حدود ۵۰ روز پیش با پابند الکترونیک از زندان آزاد شد. به‌باور زحمت‌کش، استفاده از پابند الکترونیک چندان هم سخت نیست و باتوجه به شعاع هزار متری که می‌تواند از منزل خارج شود، امکان رسیدگی به امورش را دارد: «پابند الکترونیک، انتخاب بین بد و بدتر است. این وسیله، معضلات خاص خودش را دارد اما حداقل محرومیت‌هایی که در زندان با آن مواجه می‌شویم را ندارد. من به‌جز مرخصی‌های قانونی، یک‌روز در هفته هم مرخصی جداگانه‌ای دارم و از مرخصی نوروز هم برخوردار شدم.» با این حال، او استفاده از این وسیله را تحقیرآمیز می‌داند: «مجرمان جرائم غیر مدنی هم از پابند الکترونیک استفاده می‌کنند و معلمانی که حق دانش‌آموزان و خودشان را مطالبه کرده‌اند هم در شرایط مشابه به‌سر می‌برند. این رفتار برای معلم تحقیرکننده است ولی در مقایسه با زنجیرهایی که هنگام تردد در دادگاه به‌پایمان می‌بستند پابند الکترونیک قابل تحمل‌تر و حتی شیک‌تر به حساب می‌آید.»

درخواست پابند دارم

«امید شاه‌محمدی» دیگر معلمی است که پابند الکترونیک را تجربه کرده است، آن هم بعد از ۲۵ سال معلمی در دیواندره استان کردستان. او اولین بار در سال ۱۳۹۷ طعم حبس و زندان را چشید. بازداشت دوم او اما در خردادماه ۱۴۰۰ رخ داد؛ زمانی که کانون صنفی معلمان ایران فراخوانی برای حضور در تجمعی صنفی داد: «یک‌روز قبل از برگزاری تجمع، در منزل بازداشت شدم. مطالبات ما تنها